

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۰۱

جمعه ۶ اسفند ۱۳۹۵، ۲۴ فوریه ۲۰۱۷

قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری

- موقعیت ویژه جنبش کارگری
- جنبشهای اجتماعی و چشم انداز انقلاب آتی در ایران

- در باره اهمیت جنبش دادخواهی بازماندگان قتل عام های سالهای ۶۰ تا ۶۷

- تجربه کردستان عراق و راه حل مساله ملی کرد

- در مورد جنبش تشکیلاتی کارگری

- در مورد اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی

- درباره نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله با آن

- درباره مبارزه علیه تخریب محیط زیست

صفحه ۹ تا ۱۲

پیامهایی به کنگره دهم

حزب کمونیست کارگری

یدی و سکینه ثابت قدم از ایران، آزیتا دربندی و آرش دشتی

صفحه ۱۲

بازداشت سه کارگر مخابرات راه دور شیراز

و بیخبری از آنها

صفحه ۱۲

مرگ یک زندانی در زندان اردبیل

در زیر شکنجه

صفحه ۸

به مناسبت روز جهانی زن ۸ مارس ۲۰۱۷

زنان علیه راسیسم و اسلامیسیم

و در صف اول مبارزه برای رهایی اجتماعی!

صفحه ۲

با در آمد یک روز نفت معضل هوا حل میشود

کاظم نیکخواه

صفحه ۳

دشمنان همه جا نفوذ کرده اند!

اصغر کریمی

صفحه ۲

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

جمهوری اسلامی و کنفرانس امنیتی مونیخ

گفتگو با سیامک بهاری

صفحه ۴

صحنه پرشور اعتراض هزاران کارگر

در مقابل مجلس مفتخوران

ما کار میکنیم که زندگی کنیم، زندگی نمیکنیم که برده دوت و کارفرمایان باشیم

صفحه ۷

کارگران آلومینیوم المهدی به حمایت از

همکاران اخراجی خود برخاستند

صفحه ۷

اعتصابات و اعتراضات کارگری در نقاط

مختلف کشور ادامه دارد

صفحه ۸

به کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

اعتراضات را همراه با خانواده هایتان

به وسط شهر بکشید

صفحه ۵

کارگران میتوانند جلو تعطیل کارخانجات را بگیرند

خطاب به کارگران پلی اکریل، روغن نباتی زنجان، کنتور سازی البرز

صفحه ۵

قوم گرایی و ملی گرایی جواب نیست

برگرفته از فیس بوک کاظم نیکخواه

صفحه ۳

به مناسبت روز جهانی زن ۸ مارس ۲۰۱۷

زنان علیه راسیسم و اسلامیسیم و در صف اول مبارزه برای رهایی اجتماعی!

با همه زنان و مردان آزادیخواه در ایران و جهان فرارسیدن هشت مارس روز جهانی زن را گرامی میدارد و با تمام قوا برای برپایی هرچه با شکوهرت این روز، روز مبارزه برای آزادی و برابری، میکوشد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ اسفند ۱۳۹۵، ۲۲ فوریه ۲۰۱۷



تعیین کننده زنان در جنبش دادخواهی و مبارزه علیه اعدام، در مبارزه برای محیط زیست سالم و در اعتصابات و اعتراضات معلمان و کارگران و بازنشستگان. هشت مارس فرصت دیگری است تا صفوف مان را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه سرمایه داری هرچه آگاه تر و فشرده تر سازیم. حزب کمونیست کارگری همراه

جنسی و اسلامیسیم! زنده باد همبستگی جهانی همه زنان و مردان در مبارزه علیه فقر و نابرابری و سرمایه داری که منشأ همه مصائب ماست! اینها مضامین اصلی و محور شعارهایی است که در هشت مارس امسال باید در خیابانها و اجتماعات طنین افکند. در ایران، روز جهانی زن بویژه فرصتی است برای اعتراض علیه حجاب اسلامی و پیشروی بازم بیشتر در جهت لغو عملی حجاب و مبارزه با همه مظاهر زن ستیزی و جداسازی جنسیتی چه در جامعه و چه در قوانین اسلامی. هشت مارس همچنین روزی ست برای تحکیم اتحاد و بسط شبکه های زنان و مردان رادیکال و آزادیخواه در همه عرصه های جاری مبارزه از دوچرخه سواری زنان و ورود زنان به استادبوم ها و لغو جداسازی جنسیتی در دانشگاه گرفته تا حضور و نقش

امسال شعارها فقط علیه زن ستیزی و یا ترامپ نبود بلکه از مبارزه علیه راسیسم و خارجی ستیزی و تخریب محیط زیست گرفته تا مبارزه علیه فقر و نابرابری و علیه دموکراسی یک درصدی ها و سرمایه داری را در بر میگرفت. در ایران نیز زنان نه فقط حجاب، جداسازی جنسیتی و قوانین ضد زن جمهوری اسلامی را هر روز و با ابتکارات متنوع بطور جدی به زیر سوال میبرند بلکه در صف اول اعتراض جامعه علیه مجازات اعدام، دفاع از حقوق کودک، علیه آلودگی محیط زیست و سایر عرصه های مبارزه علیه جمهوری اسلامی وضع موجود هستند. هشت مارس، روز جهانی زن، فرصتی برای ارج گذاشتن، استحکام بخشیدن و به پیش راندن این موقعیت شورانگیز جنبش آزادی زن در عصر ما است. نه به راسیسم و ترامپیسیم، نه به آپارتاید

این اتفاقی نبود که وقتی دونالد ترامپ در ژانویه امسال بر سر کار آمد بلافاصله با "مارش زنان" و اعتراضات وسیع و پرشور در شهرهای مختلف جهان روبرو شد. همینطور، اینهم اتفاقی نبود که وقتی جمهوری اسلامی ایران بر سر کار آمد با اولین جنبش اعتراضی که روبرو شد تظاهرات رادیکال زنان علیه حجاب و عقبگرد اسلامی در ۸ مارس ۱۹۷۹ (اسفند ۱۳۵۷) بود. همانقدر که زن ستیزی ترامپیسیم و اسلامیسیم هر دو در ارتجاع بورژوازی زمان ما ریشه دارد، مارش زنان علیه ترامپیسیم در غرب و مبارزه تعطیل ناپذیر زنان ایران و دیگر کشورهای اسلام زده علیه آپارتاید جنسی و اسلامیسیم در این واقعیت ریشه دارد که جنبش رهایی زن برای کسب حقوق و رهایی خود باید با کل سیستم موجود در افتد. چنانکه در "مارش زنان" ژانویه

دشمنان همه جا نفوذ کرده اند!

اصغر کریمی

که بنا به ادعای خودشان همه جا، در هر شهری و در هر اعتراض و اعتصابی نفوذ کرده را میشناسند و بهمین خاطر مانور وحشت از اعتراضات کارگری در کلاله و تاجیکستان برگزار میکنند تا صفوف خود را در مقابل انقلابی که میدانند در راه است آماده کنند. اما اولین اتفاقی که با شروع انقلاب می افتد این است که بخشی از همانها که امروز در مانور سرکوب شرکت میکنند، به مردم خواهند پیوست و اسلحه خود را به روی سرکوبگران و فرماندهان خواهند گرفت. اینهم مثل روز برای حکومتیان روشن است. حکومت اسلامی مثل هر حکومت سرکوبگر و فاسد دیگری در محاصره دشمنانی است که همه جا نفوذ کرده اند و حلقه محاصره روز بروز تنگ تر میشود و چهار دهه خشم فروخته مردم بساطش را از بیخ و بن در هم خواهد شکست.

دانشجویان و نسل جوان این مملکتند، همانها هستند که در اراک و زنجان و تهران و خوزستان شعار به اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه سر میدهند. حکومت دشمنان واقعی خود را میشناسد اما نمیتواند رسماً و علناً بگوید اکثریت مردم دشمن حکومتند باید دشمنی خارجی بترشد و هر اعتراضی را تحریک دشمن خارجی بنامد. گویی خود مردم از حکومت راضی اند. گویی کارگر و معلم از حقوق چند بار زیر خط فقر خوشحالند، گویی زنان عاشق آیت الله ها و قوانین اسلامی آن هستند، گویی جوانان از بیکاری و بیحقوقی لذت میبرند، گویی مردم خوزستان از آب و هوای آلوده خوششان میاید، گویی مردم طرفدار سرکوب و بیحقوقی خود هستند. گویی مردم طرفدار اختلاس و دزدی های میلیاردری مقاماتند. گویی اعتراضی به حکومت ندارند! جمهوری اسلامی و کلیه ارگانها و کلیه مقامات حکومت دشمنی را

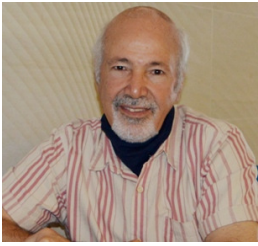
شورای اسلامی تا کابینه دولت هم از این تهدیدات! در امان نمانده اند. مقامات هر روز به مردمی که در مقابل مجلس تجمع میکنند تا کارگرانی که هرروز اعتصاب و راهپیمایی میکنند، به مردم خوزستان تا زنانی که برای حضور در ورزشگاهها دست به اعتراض میزنند، به دانشجویانی که اعتراض میکنند تا بازنشستگان و غیره و غیره میگویند دشمنان نظام در میان آنها نفوذ کرده اند. اما اگر این تاکتیک حکومت امروز کاملاً به زبان خود حکومت تبدیل شده است. اما هم مردم دشمن واقعی را میشناسند و هم جمهوری اسلامی دشمن واقعی خود را میشناسند. میدانند که این دولتها نیستند که قصد سرنگونی اش را دارند این خود مردمند. این زنان و کارگرانند، معلمان و بازنشستگانند،

و صهیونیسم نسبت میدادند. مردم کردستان را به حزب بعث نسبت دادند و در جریان اعتراضات دانشگاهها گروههای چپ و مخالفین را عوامل آمریکا معرفی کردند. در دوره جنگ ایران و عراق گفتند اعتصابات کارگری تحریک رژیم صدام و دشمنان خارجی است. مقابله زنان با حجاب اجباری و روی برگرداندن نسل جوان و توده های میلیونی مردم از اسلام و مذهب را هم حمله غرب نامیدند. این تاکتیک حکومت برای سرکوب مردم بود و سه دهه قبل بعضاً موثر واقع میشد. هنوز بسیاری از مردم به عمق ارتجاع این حکومت و عمق ردالتش و دشمنی اش مردم پی نبرده بودند. اینقدر گفتند و گفتند که حالا نوبت به صفوف خودشان هم رسیده است و از مجلس خیرگان تا تشخیص مصلحت نظام، از مجلس

نیروی انتظامی رژیم در خوزستان در بیانیه ای تهدید آمیز از نفوذ نیروهای سیاسی مخالف حکومت در اعتراضات مردم صحبت کرده است. این روزها نفوذ دشمن ورد زبان همه مقامات حکومت است. از معاون فرمانده ارتش تا خود خامنه ای به مردم و به ارگانهای خود هشدار میدهند که مواظب نفوذ دشمن باشید. اینکه در ارگان های خود حکومت چه نوع دشمنی نفوذ کرده را ما نمیدانیم! اینرا خامنه ای و همدستانش میدانند. اما دشمنی که در صفوف مردم نفوذ کرده! شناخته شده است و همه جا هم هست. اینرا خود حکومتیان هر روز اعتراف میکنند. از ابتدای سر کار آمدن هر جا اعتراضی بود به عوامل امپریالیسم

با در آمد یک روز نفت معضل هوا حل میشود

کاظم نیکخواه



اقدام مشخص و جدی و اضطراری نبینند ساکت نمی‌شوند.

اعتراضات هزاران نفره مردم اهواز و خوزستان ولوله ای در دستگاه حکومت اسلامی انداخته است. هرکدام سعی میکنند گریبان خود را از فشار اعتراضات خلاص کنند. نماینده اهواز به گردن دولت می اندازد و میگوید با درآمد کمتر از یک روز نفت میشود مشکل گردوغبار را حل کرد، دولت روحانی مشکل مردم را به گردن جنگ عراق می اندازد، امام جمعه ها هم هرکدام هذیانهایی در باب نزول گرد و غبار میگویند و مردم را به آرامش دعوت میکنند.

یک درس که میشود گرفت اینست که وقتی که ما اعتراض کنیم حتما اتفاقی می افتد. و بنابراین باید به اعتراض و ادامه فشار بر حکومتی ها ادامه داد و به وعده ها دلخوش نکرد.

کشاورزی طی سه سال آینده در خوزستان و احیای کارون و احیای شهرهای آبادان و خرمشهر طی سالهای آتی سخن گفت. اما در بیرون مردم در حال تظاهرات و اعتراض بودند و با صدای رسا می‌گفتند ما وعده نمی‌خواهیم.

در مسیر ورود روحانی به اهواز گروههایی از کارگران قند و تصفیه شکر اهواز دست به تجمع و اعتراض زدند و خواستههای خود را اعلام کردند. بنا به گزارش ایلنا کارگران پتروشیمی رازی نیز در مقابل دفتر این شرکت تجمع کرده اند و خواهان این هستند که روحانی خواستههای آنها که بارها اعلام کرده اند رسیدگی کند.

اوضاع خوزستان نشان میدهد که سفر روحانی به خوزستان درست برعکس انتظار او، علیه دولت او و کل حکومت عمل کرده است و به گسترش اعتراضات کمک کرده است.

اساس مساله اینست که مردم از اینهمه وعده های پوچ که در دولتهای پیشین هم داده شد و عمل نشد خسته شده اند و تا زمانی که

و غبار خوزستان را حل کرد. وقتی سرمایه دار باشی، اسلامی هم باشی نتیجه جز این چیزی نمیشود. فقط باید حواست باشد که چند میلیون پاسدار و بسیجی را آماده کنی که هر وقت مردم شورش میکنند با آنها مقابله کنی. اما مطمئن باشی که این مردم کل این بساط و سرمایه ها و پاسداران و بسیجی ها را با انقلابشان جارو میکنند. راه دیگری نیست. خوزستان خشمگین دارد نشان میدهد که جامعه به کدام سمت میرود.

این روزها حسن روحانی به خوزستان سرزده است تا بقول خودش طی این سفر یک روزه "از مردم دلجویی کند". بنا به گزارشها روحانی با گردوغبار و خشم مردم "استقبال" شد. سفر روحانی به چند شهر خوزستان همراه هیئت دولتش انجام شده است. او ناچار شد به علت گرد و غبار غلیظ با تاخیر وارد شود. روحانی در سخنرانی خود در مصالای اهواز از تعهد دولت برای تلاش جهت زیر کشت بردن ۵۵۰ هزار هکتار زمین

است که مشکل را گویا میخواهند حل کنند. آخر شماها که میدانستید با درآمد یک روز نفت میشود مشکل گرد و غبار را حل کرد چرا طی این همه سال تا کنون حرفی نزدید؟ چرا اقدامی نکردید؟ چرا اجازه دادید کار به اینجا بکشد که مردم هر روز گرد و غبار و خاک تنفس کنند؟ اگر در یک جامعه متمدن بود یک روزه چنین حکومتی را مردم زیر میکشیدند و همه شان را به عنوان مجرم و جنایتکار محاکمه میکردند. مردم دارند با هوای بسیار ناسالم و آلوده به انواع آلودگیهای خطرناک و بیماری زا تلف میشوند و اینها نشسته و کاری نکرده اند و اکنون که صدای مردم بصورت دهها هزار نفره بلند شده است، اعتراف میکنند که با پول کمتر از یک روز نفت میشود مشکل را حل کرد!

هرکس میخواهد بداند چرا مردم میخواهند سر به تن این حکومت کثیف مفتخوران اسلامی نباشد باید همین اعتراف را جلوی چشمشان بگیرد. که با کمتر از یک روز درآمد نفت میشود مشکل گرد

نماینده اهواز در مجلس اسلامی این روزها در اشاره به اعتراضات هزاران نفره مردم اهواز در یک مصاحبه تلویزیونی گفت با درآمد کمتر از یک روز نفت میتوان تمام مشکل گرد و غبار در خوزستان را براحتمی حل کرد. همایون یوسفی نماینده اهواز در این مصاحبه چند بار در پاسخ به سوال خبرنگار تاکید کرد که بررسی های کارشناسانه نشان میدهد که با هزینه کردن درآمد کمتر از یک روز نفت مشکل گرد و غبار در خوزستان حل میشود. این اعتراف بسیار مهمی از جانب یکی از دست اندکاران حکومت اسلامی است که باید توی سر حاکمین مفتخور زد. این مفتخوران حریص حتی درآمد یک روز نفت را هزینه مردم نمیکردند. دست به اقدامی نزدند و چند میلیون مردم را در معرض آسیبهای بسیار قرار داده اند. آنگاه انتظار دارند مردم عصبانی نباشند. انتظار دارند مردم ساکت شوند و به آنها مهلت بدهند. همین روزها استاندار خوزستان از مردم مهلت خواسته

قوم گرایی و ملی گرایی جواب نیست

برگرفته از فیس بوک کاظم نیکخواه

سرکوب میکند. و هر روز تظاهرات و اعتراضات چندین هزار نفره ای توسط مردم کردستان علیه آن جریان دارد.

اگر در کردستان بجای کرد گرایی خواستههای مشخص و شفاف رفاهی و برابری طلبانه در افکار عمومی جا می افتاد الان وضع قطعاً خیلی بهتر بود. در خوزستان و آذربایجان و کردستان و بلوچستان و تهران هم وضع به همین منوال است. ما مردم بجای چسبیدن به تعصبات کور ملی باید حقوقمان را بشناسیم و از انسانیت و منزلت خود و حقوق همه مردم بدون استثنا دفاع کنیم تا بتوانیم از این دور تسلسل فقر و سرکوب خلاص شویم. این تمام حرف من است. زنده باد همه مردم زحمتکش و شریف خوزستان و همه جای دنیا!

مساله خیلی سخت نیست. دوستان عزیزم! اگر بخواهیم از شر تحقیر و تبعیضات خلاص شویم این بدیهی است که باید از ارزشهای پیشرو و جهان شمول انسانی دفاع کنیم. از آزادی برای همه، رفاه برای همه، عزت و منزلت برای همه. نه از اینکه من لرم یا بختیاریم یا ترکم یا فارسیم یا کردم. اینها ما را به جایی نرسانده است و نخواهد رسانید.

ملی گرایی و قومگرایی یک نمونه زنده اش همین الان جلوی چشم ماست. بروید نگاه کنید. بعد از سالها دفاع از ملت و فرهنگ کردی و قربانی دادن و جنگیدن زیر پرچم ناسیونالیسم کرد، یک دولت ناب کردی الان در اقلیم کردستان عراق سرکار آمده است. این دولت برهبری مسعود بارزانی پسر مصطفی بارزانی که سمبل قومگرایی کرد بود، جلوی چشم ما دارد مردم محروم کردستان عراق را می چابد و

را از قوم فارس نمیدانم. یک ذره علاقه ای به سلسله کوروش و داریوش و هیچ شاه مفتخور دیگری هم ندارم. نمیدانم اصلاً قوم فارس چه صیغه ای است و چه فرهنگی داشته و چه قیافه و تاریخی داشته است. و نمیخواهم بدانم. من خودم را به مردم یزد و تهران و تبریز و سنندج و از شما چه پنهان به کارگر انگلیسی و هندی همانقدر نزدیک میدانم که به مردم زحمتکش شیراز که دوستشان دارم. و در عین حال از همه مفتخوران زاده فارس و شیراز تهران و ایران و بلوچستان و آذربایجان و کردستان و آمریکا متنفرم. وقتی ما فارس و کرد میشویم چه بخواهیم چه نخواهیم عملاً کنار همین مفتخوران و سرکوبگران و شاهان و خلفای "ملت خودی" قرار میگیریم. فهم این

ما باید از قومیت خود دفاع کنیم. از "عزت" و "شرف ملی" و بختیاری و عربی و ترکی خود دفاع کنیم. این نوع تبلیغات معنای روشن و مشخصی برای دفاع از مردم ندارد و صرفاً برای دامن زدن به تعصب برد میخورد. اینها روی دیگر سکه همان وضعیتی است که تاکنون بصرمان آورده اند. یکی به من و تو میگوید ترک و سرکوب و تحقیرمان میکنند. و ما میگوییم ما ترکیب و تو فارسی و به او توهین میکنیم. آیا با همین تفرقه افکنی ها یک عده بر سر همه مردم سوار نشده اند؟

من از استان فارس می آیم. آنجا متولد شده ام. اما خودم را هیچوقت یک ذره فارس احساس نکرده ام. خود

اعتراضات مردم در اهواز و خوزستان یکی از بحثهایی که دامن زده بحث ملی گرایی است. همه شاهد تبعیض علیه مردم خوزستان و کردستان و آذربایجان و بلوچستان و جاهای دیگر توسط حکومت هستیم. باید همه مردم در سراسر ایران متحده اند از مردم خوزستان و خواستههایشان حمایت کنند. اما این را هم شاهدیم که این تبعیضات به جریانات متعصب ناسیونالیست و قوم پرست میدان و بهانه داده است که تعصب قومی و ناسیونالیستی را تحریک کنند. گویا حکومت اسلامی صرفاً یک حکومت ضد کرد یا ضد عرب یا ضد بلوچ و امثال اینهاست و در مقابل این حکومت

جمهوری اسلامی و کنفرانس امنیتی مونیخ

گفتگو با سیامک بهاری



سیاسی با حکومت اقلیم کردستان، تند کردن آتش جنگ در یمن پیوند زده خواهد شد. این عملاً کودی باتلاق زیر پای جمهوری اسلامی را عمیق‌تر از آنچه هست خواهد کرد. در عین حال فاکتور تعیین کننده در این کارزار، رو در روی جمهوری اسلامی با مردم ایران است!

انترناسیونال: تاکید بر تأثیر مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی کردید، همین موضوع را بیشتر باز کنید.

سیامک بهاری: جمهوری اسلامی در لبه پرتگاه است! جناح‌های حکومتی از همه بهتر بر این امر واقفند. گسست و شکاف در بالای حکومت به همین علت عمیق‌تر از هر وقت دیگر خودنمایی می‌کند! هیچ روزنی از گشایش اقتصادی، کاهش رکود تورمی در زندگی مردم دیده نمی‌شود. اقتصادی که قرار بود صد روزه سر و سامان بیابد، صد سال دیگر هم ترمیم نخواهد شد. دستگاه حکومتی، عقب نشینی از سیاست‌های تاکتونی را در توافقات هسته‌ای و برجام مزه کرده است. دستش از اسلحه اتمی قطع شده است، مانند ششول بند ناشی، دست روی ماشه تسلیحات موشکی می‌گذارد تا قدر قدرت جلوه کند!

در مقابل تجمعات اعتراضی اقبال مردم، از کارگر و کارمند و بازنشسته و مال‌باخته و... دارد به یک مطالبه عمومی و روند روزانه مردم عاصی بدل می‌شود! شکل سازمان یافته‌تری بخود می‌گیرد و سراسری تر به میدان می‌آید! جمهوری اسلامی با شورش عمومی روبروست!

وضعیت همین دو هفته گذشته در خوزستان بخوبی نشان داد که

اردوغان در سیاست خارجی ترکیه، تغییر ترکیب ائتلاف عربی در جنگ یمن و دهها فاکتور ریز و درشت دیگر در منطقه همه رشته‌های انس و الفتی که جمهوری اسلامی با ترکیه و روسیه و حتی عراق بسته بود را دچار تردید و گسست کرده است.

جمهوری اسلامی با تنها برگ بازی، یعنی تلاش برای ماندگاری رژیم اسد در سوریه، با اتکا به هم‌پیمانی با روسیه، خود را در صحنه نگه داشته است! گسترش دامنه جنگ نیابتی در منطقه، سیاستی آشکارا تروریستی که جمهوری اسلامی را عمیقاً دچار سیاست جنگی غیر رسمی در داخل کرده است.

تغییر مواضع سیاسی اردوغان در نزدیکی به روسیه، قدرت‌طلبی آشکار در سوریه و تصرف بخشی از خاک سوریه و گشودن جبهه جنگی علیه اسد و جمهوری اسلامی، اگرچه کاملاً محتمل بود، اما جمهوری اسلامی ناچاراً بر سر این اسب بازنده هم شرط بندی کلانی کرد، به امید اینکه ترکیه را از امریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش، بویژه عربستان و اسرائیل دور کند و بلوک‌بندی جدیدی در موازنه قدرت به نفع خود ایجاد کند. این سیاست اکنون بکلی دود شده و به هوا رفته است! دامنه پرتاب ترکش‌های این شکست و ناکامی، به کنفرانس مونیخ هم رسید و در سخنرانی نماینده عربستان و وزیر امور خارجه ترکیه علیه حکومت ایران، در روز آخر، در برابر چشم جهانیان، به سر و صورت جمهوری اسلامی خورد!

خاورمیانه دستخوش تحولات بشدت تکان دهنده ای است و جمهوری اسلامی بعنوان بازی‌گر بازنده، تلاش دارد تا باخت‌های مکرر خود را با نمایش قدر قدرتی از یکطرف و سازش و مدارای دیپلماتیک با رقبای خود بپوشاند!

حمایت از بشارالاسد در سوریه به حمایت آشکارتری از دستجات مسلح شیعه در عراق، تغییر روند

سیامک بهاری: در بیش از یک دهه اخیر کشمکش با جمهوری اسلامی ایران، موضوع همیشگی این کنفرانس بوده است. حکومت اسلامی ایران، یک سر دعوای تروریسم سازمان یافته دولتی در خاورمیانه و نیز پروژه هسته‌ای، در کشمکش و رقابت با بلوک بندی منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. این امری است که جمهوری اسلامی نه تنها از آن روی‌گردان نیست، که به نحوی استقبال هم می‌کند که در منازعات بویژه منطقه یک طرف دعوا باشد. کلاً منازعات خاورمیانه یک پای ثابت موضوعات کنفرانس امنیتی مونیخ بوده و هست.

در کنفرانس اخیر هم به همین منوال، جمهوری اسلامی این بار نه بخاطر مسایل هسته‌ای بلکه بدلیل ادامه سیاست جنگ افروزی و گسترش مداوم تروریسم اسلامی، افروختن آتش جنگهای قومی و مذهبی، دخالت مستقیم در ایجاد ارتش شیعه در مقابل قبایل سنی مذهب در عراق، به اشکال مختلف مورد حمله رقبای خود بود.

جمهوری اسلامی مهمترین پایگاه اسلام سیاسی در منطقه است. این موقعیتی است که جمهوری اسلامی سالها برای ایجادش به قیمت فلاکت عمومی میلیونها مردم ایران، تلاش و بند و بست کرده است. حمایت بیدریغ از توحش افسارگسیخته تروریسم اسلامی بخش جدایی‌ناپذیر این سیاست است. این بخشی از سناریوی انزوی جمهوری اسلامی نیز هست. این باتلاق کشنده‌ای است که جمهوری اسلامی در آن گیر کرده است، پذیرش شکست و هزیمت در ماجراجویی هسته‌ای، موقعیت ضعیف و شکننده اقتصادی در بازار جهانی، علیرغم توافقات پس از برجام، تغییر و تحولات ژئوپولیتیک منطقه، تغییر روی کرد سیاست‌های بویژه منطقه‌ای امریکا پس از بر سر کار آمدن ترامپ، بهبود نسبی روابط سرد واشنگتن و مسکو، زیرکانه‌های یک در میان

تغییر است در حالیکه هر روز بر ابعاد خانه‌خرابی و مصائب بشر معاصر افزوده می‌شود. جنگ و ویرانی، نه فقط در ابعاد نظامی بلکه در فلاکت اقتصادی و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی گریبان میلیاردها انسان را گرفته است و هر روز وضع بحرانی‌تر از پیش و حتی از کنترل مسببین آن خارج می‌شود. امنیت در این کنفرانس‌ها، دقیقاً امنیت منافع حکومت‌ها و دامنه قدرت رقابت جهانی و یا منطقه‌ای آنهاست.

در نظر بگیرید، وقتی ثروت هشاد و اندی بیلین در جهان برابر کل ثروت بیش از نیمی از ساکنین کره زمین است و صاحبان زرادخانه‌های عظیم نظامی آتش جنگ را در چهار گوشه جهان شعله ور می‌کنند و توحش افسار گسیخته داعش، طالبان، حزب‌الله، القاعده، بوکو حرام، حشدالشعبی، حماس، سپاه پاسداران و ماشین جنگی ناتو و روسیه زندگی کل بشریت را به کام نابودی می‌برد، صحبت سران دولتها از امنیت فقط می‌تواند مزاحی مشتمل کننده باشد.

اگر قرار بر تأمین امنیت در جهان و سعادت ساکنین کره زمین است. همه این رؤسای سیاستمدار به ظاهر محترم، که هر کدام صحنه گردان یک تراژدی عظیم اجتماعی و سیاسی هستند را باید تمام و کمال خلعید کرد، از قدرت پایین کشید و از صحنه سیاسی جهان بیرون گذاشت تا بشریت بتواند نفس بکشد و امنیت را به معنای انسانی آن تجربه کند. این حکومت‌ها، خود مانع اصلی و اساسی و سد راه امنیت در جهان‌اند.

انترناسیونال: کنفرانس شاهد حمله بسیاری از شرکت کنندگان به جمهوری اسلامی بود. بنظر می‌رسد ائتلاف‌های جدیدی در منطقه خاورمیانه در حال شکل گرفتن است و جمهوری اسلامی تحت فشارهای شدیدی در منطقه قرار دارد. نظر شما در این باره چیست؟

انترناسیونال: امسال کنفرانس امنیتی مونیخ از ۱۷ فوریه بمدت سه روز ادامه داشت، کلاً این چه نوع کنفرانسی است؟ چرا کنفرانس امنیتی نام گرفته است؟

سیامک بهاری: این پنجاه و سومین کنفرانس امنیتی است که به سیاق هر ساله در مونیخ در هتل "بایریش هوف" بمدت سه روز برگزار گردید. از سال ۱۹۶۳ تا به حال بیش از نیم قرن است که سران کشورها، وزرا و شخصیت‌های عمدتاً نظامی و امنیتی، را از سراسر جهان گرد می‌آورند و راجع به چالش‌ها و حوادثی که به اصطلاح "امنیت" جهان را به خطر می‌اندازد بحث و گفتگو می‌کنند. امسال هم حدود سی رئیس دولت و هشاد وزیر و شخصیت نظامی و امنیتی در این کنفرانس شرکت کردند.

بدیهی است که این قبیل کنفرانس‌ها نه توان تأثیر گذاری ویژه‌ای بر امنیت جهانی دارد و نه عملاً سیر و جهت وقایع سیاسی را می‌تواند دگرگون کند. سران کشورهایی که خود عامل ناامنی و فجایع بیشمار علیه میلیونها انسان در کره زمین هستند، مقابل هم شاخ و شانه می‌کشند و طول و عرض "امنیتی" منافع دولت متبوعشان را متر می‌کنند.

جنگ، آوارگی و تروریسم، استراتژی و بخش ثابت برنامه سیاسی اکثریت قریب به اتفاق سران کشورهای شرکت کننده است که به فراخور قدرت و توان نظامی، اقتصادی و سیاسی خود، در بلوک‌بندیها و رقابت‌ها، و زد و بندهای بین‌المللی و منطقه‌ای عامل و مسبب ناامنی ویی ثباتی و کشمکش در کل جهان‌اند. از رئیس کنفرانس تا بسیاری از سران کشورها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها به ابهامات عمیق امنیتی در جهان اذعان داشتند.

طرح منازعات جهانی، بویژه در کنفرانس اخیر به روشنی بن بست سیاسی کل جهان سرمایه‌داری را نشان می‌دهد. بلوک‌بندی‌های سیاسی و نظامی مداوماً در حال

به کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

اعتراضات را همراه با خانواده هایتان به وسط شهر بکشید

کنید و پرچم افزایش دستمزد بالای سید هزینه زندگی یعنی بالای چهارمیلیون را برافرازید. ارگان های حکومتی موقعی کیسه را شل خواهند کرد که اعتراض شما آنها را به وحشت بیندازد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ اسفند ۱۳۹۵، ۲۳ فوریه ۲۰۱۷



عمومی تان صحبت کنید و تصمیم بگیرید نگذارید وقت کشتی کنند و شما را فرسوده و پراکنده کنند. در حالیکه اعتراضات وسیع علیه هوای آلوده و آب آلوده در شهر جریان دارد راهپیمایی شما در مرکز شهر بسیار موثرتر واقع خواهد شد. تمام حقوق شما و سنوات عقب مانده شما باید بدون هیچ عذر و بهانه ای فوراً پرداخت شود. با قدرت جمعی تان میتوانید این خواست بحق خود را به حکومتیان تحمیل

۱۳ روز است اعتراض شما بشکل اعتصاب و تجمع در مقابل کارخانه ادامه دارد. نه قوه قضاییه که سرپرستی کارخانه را پس از اختلاس سه میلیاردی صاحبان کارخانه بعهده دارد و نه استانداری و فرمانداری و هیچ ارگان دیگری توجیهی به خواست شما نکرده است و همچنان چندین ماه حقوق و مطالبات سنواتی چندین ساله شما پرداخت نمیشود.

تاکتیک تان را عوض کنید و اعتراضات را به مرکز شهر بکشید. مانند کارگران هپکو در اراک و روغن نباتی زنجان، خانواده هایتان را با خودتان همراه کنید. شما یک نیروی ۴۰۰۰ نفره اید و اگر در مرکز شهر همراه با خانواده هایتان که جمعیت عظیمی خواهید شد، دست به راهپیمایی و تحصن بزنید مطمئن باشید مردم فعالانه از شما حمایت خواهند کرد و مفتخوران حاکم صداقتان را خواهند شنید. در مجمع

جمهوری اسلامی و کنفرانس امنیتی مونیخ

از صفحه ۴

مردم نان و کرامت انسانی می خواهند و این با ماشین جنگی و سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در تضاد است. تحمیل ریاضت اقتصادی از این بیشتر ممکن نیست! باج و خراج جنگی سپاه پاسداران و حزب الله لبنان و حوثی یمن و حشدالشعبی در عراق و جبهه جهاد اسلامی فلسطین و خیل سازمانهای تروریستی اسلامی را دارند از سفره خالی مردمی که به زیر خط فقر رانده شده اند می پردازند. سرنگونی جمهوری اسلامی پایان همه این تبهکاری باندهای حکومتی خواهد بود. شعار مطالبات مردم در مقابل ماجراجویی جنگی جمهوری اسلامی، بسیار و شفاف و صریح است! "سوریه رو ولش کن، فکری به حال ما کن" نمونه ای واضح از بی ربطی سیاست های نظامی و

چگونه مردم مسببین فجایع بیشمار تحمیل شده بر جامعه را می شناسند و راههای مقابله با آنرا می آموزند. صحنه سیاسی ایران شاهد رشد آگاهی و حضور بیشتر اعتراضات اجتماعی است. میدان تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی میدان رو در روی مردم با حکومت است! جمهوری اسلامی با همه رقبای و دشمنان منطقه ای و بین المللی خود حاضر است کنار بیاید، اما عقب نشینی در مقابل مردم همان پرتگاه بی انتهایی است که در آن سقوط خواهد کرد. هر اندازه که این حضور اعتراضی عرصه را به جمهوری اسلامی تنگتر کند، عقب نشینی بیشتری را در سیاست خارجی به حکومت تحمیل خواهد کرد.

کارگران میتوانند

جلو تعطیل کارخانجات را بگیرند خطاب به کارگران پلی اکریل، روغن نباتی زنجان، کنتور سازی البرز

و راهپیمایی کنید. شعارهای مناسب انتخاب کنید و مردم را به همبستگی با خود دعوت کنید. تلاش کنید اعتراض شما هرچه بیشتر در رسانه هایی مانند کانال جدید و در مدیای اجتماعی منعکس شود. قدم دیگر این است که با مراکز دیگری که در شهرتان با مشکل مشابهی دست و پنجه نرم میکنند تماس بگیرید و اعتراضات مشترک با حضور خانواده های خود را در مراکز شهر سازمان بدهید. هر جا که میتوانید در مراکز شهرها چادر بزنید و تحصن کنید. یک مبارزه مستمر و هر روزه با تمام قوا کارساز است و برای اینکار تشکیل مجمع عمومی کارگران یک حلقه کلیدی است که امکان میدهد کلیه کارگران درمورد ادامه مبارزه دخالت کنند و تصمیم متحد و یکپارچه بگیرند.

مطمئن باشید که این راه موثر واقع خواهد شد. جمهوری اسلامی بشدت از گسترش اعتراضات شما وحشت دارد. میدانند که هر اعتراضی از این نوع هزاران نفر دیگر را هم به میدان میاورد. میدانند فضای شهرها بشدت اعتراضی است و هر راهپیمایی شما در مرکز شهر میتواند به تظاهرات های بزرگی منتهی شود. فریب عناصر سازشکار که یا شما را میترسانند یا شما را سرگرم دالانهای اداری میکنند را نخورید. شیوه های تازه مبارزه را در پیش بگیرید. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا همراه شما است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ اسفند ۱۳۹۵، ۱۹ فوریه ۲۰۱۷

کارخانه پلی اکریل اصفهان هم در شرف تعطیلی است و ۱۷۰۰ کارگر آنرا دارند بیکار میکنند. هفته قبل کارخانه روغن نباتی در زنجان را تعطیل کردند و قبل از آن کارخانه کنتورسازی در شهر البرز را و در این فاصله دهها کارخانه دیگر نیز تعطیل شده اند. صدها کارخانه در حال اخراج بخشی از کارگرانش و صدها مرکز تولیدی دیگر بحرانی هستند و هر لحظه دست به اخراج میزنند. این روند در سراسر کشور جریان دارد و دهها هزار کارگر تنها در یک سال گذشته کارشان را از دست داده اند و در بهترین حالت به آنها قول بیمه بیکاری محدودی داده شده است. میتوان و باید جلو این بیکارسازی ها را گرفت.

باید به تجربه دریافته باشیم که تجمع بدون صدا و بدون انعکاس کم تاثیر است. شکایات شما و مراجعات شما به ارگان های دولتی بدون به میدان آوردن نیروی شما به جایی نمیرسد. جنبش کارگری این توان را دارد که نیروی بیشتری به میدان بیاورد و به شیوه موثرتری علیه بیکارسازی ها قد علم کند و مانع آن شود. بهم پیوستن اعتراضات و حمایت از مبارزات یکدیگر بسیار حیاتی است. پیوستن خانواده ها به اعتراضات که اخیرا نمونه های متعددی را از جمله در اعتراضات کارگران هپکو و روغن نباتی در زنجان شاهد بودیم یک روش پیشرو و موثر است و توجه و همبستگی سایر مراکز کارگری و مردم را وسیعا جلب میکند.

اولین قدم این است که کلیه اعضای خانواده هایتان را تشویق کنید به شما ملحق شوند. اعتراضات را به مرکز شهر بکشانید

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

۳۰۰ دلار

بهرام کلاهرزی

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

تجمع چند هزار نفره کارگران، معلمان بازنشسته، پرستاران، در سوم اسفند در مقابل مجلس، موعد تعیین حداقل دستمزد برای سال آتی در کمیته مزد حکومت و تجمع اعتراضی کارگران با تاکید بر خواست افزایش دستمزدها در گام اول به میزان سبد هزینه اعلام شده دولت که ۴ میلیون است، اعتراض ۵۰۰ کارگر پیمانکاری پالایشگاه ستاره خلیج فارس با شعار وعده و وعید نمیخواهیم در کنار دهها اعتراض دیگر در شهرهای مختلف از جمله سرتیترها و موضوعات مهم در هفته گذشته است.

تجمع چند هزار نفره کارگری مقابل مجلس، تجمعی علیه فقر

سوم اسفند هفته گذشته شاهد اتفاق مهمی در مقابل مجلس بودیم. چند هزار نفر از معلمان بازنشسته، کارگران، پرستاران در این روز برای پیگیری خواستههایشان در مقابل مجلس جمع شدند و اعتراض واحد آنها علیه فقر و فلاکت و توحش سرمایه داری حاکم، به صف واحدی از اعتراض تبدیل شد. معلمان بازنشسته برای پیگیری خواستههایشان، از طریق مدیای اجتماعی شان برای تجمع در این روز فراخوان داده بودند و توانستند از شهرهای مختلف گرد بیایند و اعتراضی سراسری را بر پا کنند. از سوی دیگر با ابتکار اتحادیه آزاد کارگران ایران گروهی از کارگران در سوم اسفند، درست هنگامیکه کمیته مزد حکومت از بالای سر کارگران مشغول رایزنی بر سر قیمت نیروی کار آنان بودند، جمع شدند و با شعار خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون، اعتراض خود را به کل این بساط بردگی اعلام داشتند. در کنار آنان تجمعی هم از سوی کارگران بخش خصوصی مخابرات برپا شده بود که خواست اصلی آنان کوتاه شدن دست پیمانکاران و حقوق برابر با کارگران استخدام رسمی بودند. و بالاخره گروه بعدی پرستاران بودند که مطالباتشان را طلب میکردند. در این روز شعار معلم، کارگر، اتحاد،

اتحاد، صف مشترک تجمع کنندگان را شکل داد و بدنبال آن شعارهایی چون یک خواست فوری ما، افزایش دستمزدها، سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، اتحاد، مبارزه، پیروزی، درمان رایگان حق مسلم ماست، بر فضای خیابانها مقابل مجلس طنین افکن شد. این شعارها و این اعتراضات خود را در پلاکاردهایی که تجمع کنندگان در دست داشتند نیز انعکاس میداد و هنگامیکه جمعیت سرود همستگی زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، مرگ بر این فقر، مرگ بر این فقر، صحنه شکوهمندی از اعتراض را شاهد بودیم.

سوم اسفند، بطور واقعی انعکاسی از اعتراض ۹۹ درصدی های جامعه علیه فقر و فلاکت و سیاست های ریاضت اقتصادی حکومت، علیه تبعیض و نابرابری و دزدی های میلیاردی حکومتیان و حقوقهای نجومی شان و برای داشتن یک زندگی انسانی بود. کارگران در تجمع چند هزار نفره خود در سوم اسفند در مقابل مجلس با بنر ما کار میکنیم، زندگی کنیم، زندگی نمیکنیم که برده دولت و کارفرمایان باشیم، کل توحش سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند. تجمع اعتراضی سوم اسفند، در ادامه اعتراضات هزاران نفره مردم خوزستان علیه بی آبی، بی برقی، هوای آلوده، بی تأمین و فقر و بیکاری، فضای امروز جامعه ایران را رقم میزند. مردم فقر نمیخواهند، تبعیض نمیخواهند، مردم آزادی، برابری و یک زندگی انسانی میخواهند. و این جامعه ایست که بطور واقعی سوسیالیسم را فریاد میزند.

پایان سال و موعد تعیین دستمزد

بنا بر اخبار دولتی ساعت ۳ بعد از ظهر روز سوم اسفند، نخستین جلسه شورای عالی کار جمهوری اسلامی با موضوع بررسی مزد ۹۶ برگزار شد. همان روز تجمعی آترناتیوی از

سوی کارگران با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران در اعتراض به روند تعیین حداقل مزد و تلاش برای تحمیل حداقل مزد مطابق روال سالهای گذشته، در مقابل مجلس برپا شد که با تجمعات دیگر در این محل از سوی معلمان بازنشسته و کارگران بخش خصوصی مخابرات و پرستاران به تجمعی چند هزار نفره تبدیل شد. کارگران در این تجمع با پلاکاردی که بر رویش نوشته شده بود، سبد هزینه ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون بطور واقعی به تعیین دست مزد از بالای سر آنان در شورای عالی کار و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر اعتراض کرده و خواست افزایش دستمزد برابر سبد هزینه اعلام شده دولت، یعنی ۴ میلیون را اعلام داشتند.

اکنون که موعد تعیین دستمزد برای سال آتی است، بحث بر سر میزان حداقل دستمزدها در میان کارگران بالاست. از جمله اتفاق دیگر در همین رابطه در هفته گذشته، بیانیه سندیکای نیشکر هفت تپه است که در آن بر خواست افزایش دستمزدها به بالای رقم ۴ میلیون تاکید شده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: «افزایش حقوق کارگران باید بر اساس میزان تورم واقعی که مبتنی بر منابع آماری مختلفی باشد صورت گیرد و نه فقط بر اساس آمارهای دولتی. دوم، دستمزد مصوب در کمیته دستمزد باید بالاتر از خط فقر افزایش یابد. خط فقری که در حال حاضر، حتی بر اساس آمارهای دولتی و بانک مرکزی بالاتر از ۴ میلیون تومان است. در این میان از مهمترین نگرانی های ما کارگران اینست که: ۱- کارگران در ایران فاقد تشکلهای خود ساخته کارگری و مستقل هستند تا بتوانند از حقوق و زندگی آنها دفاع کنند.

۲- کارگران فاقد حق قانونی اعتصاب جهت دفاع از حقوق طبقاتی خود میباشند.

۳- ما اعلام می کنیم که تشکل دولتی خانه کارگر که در کمیته دستمزد به عنوان نماینده بخش



قبول کارگران نخواهد بود.

این اظهارات بیش از پیش فضای اعتراض در میان کارگران و کل جامعه را انعکاس میدهد. و این درحالیست که یک سیاست اعلام شده دولت روحانی، ارزان سازی نیروی کار است.

خلاصه کلام اینکه جنبش بر سرخواست افزایش دستمزدها، هم اکنون با خواست افزایش دستمزدها در قدم اول در حد سبد هزینه اعلام شده دولت، یعنی ۴ میلیون تومان فعالانه در میدان است. تجمع اعتراضی کارگران، معلمان بازنشسته و پرستاران در مقابل مجلس در سوم اسفند، فریاد متحد این جنبش بود. در این تجمع کارگران با شعار خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون، درمان رایگان حق مسلم ماست، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست بر خواستههای فوری و همین امروز خود تاکید گذاشتند.

وعده وعید نمیخواهیم، دستمزد و عیدی میخوایم

این شعار کارگران پیمانکاری پالایشگاه ستاره خلیج فارس است که روز ۲ اسفند حدود ۵۰۰ نفر از آنها در محوطه پالایشگاه در بندرعباس دست به تجمع زدند و خواهان پرداخت فوری چهارماه دستمزد پرداخت نشده خود شدند.

این کارگران که دستمزد آنها از آبان ماه پرداخت نشده با سردادن شعار «وعده وعید نمیخواهیم، دستمزد و عیدی میخوایم» خواستار پاسخ شدند. در ساعات پایانی این تجمع، مسئولان شرکت با حضور در جمع کارگران به وعده و وعید دادن پرداختند، اما کارگران حرفشان این بود که باید دقیق مشخص کنند که چه زمان قرار است دستمزد آنان را بدهند و چه مقدار از طلبهایشان پرداخت خواهد شد و اعلام کردند که

صحنه پرشور اعتراض هزاران کارگر در مقابل مجلس مفتخوران ما کار میکنیم که زندگی کنیم، زندگی نمیکنیم که برده دولت و کارفرمایان باشیم

تظاهرات امروز با شعار میریم و برمیگردیم در فضایی از شور و امید و اتحاد و عزم راسخ برای تداوم اعتراض پس از ۶ ساعت پایان یافت.

تجمع پرشور امروز در مقابل مجلس گوشه‌ای از اعتراض دهها میلیون مردمی است که هر روز مصمم تر، خشمگین تر، تیزبین تر و سازمان یافته تر در سراسر کشور دست به اعتراض میزنند و دزدان و جنایتکاران حاکم را عامل سیه روزی خود میدانند. روزی که این صداها به توفان انقلاب برای به زیر کشیدن حکومت فاسد اسلامی سرمایه داران تبدیل شود دور نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اسفند ۱۳۹۵، ۲۱ فوریه ۲۰۱۷

زندگی کنیم، زندگی نمیکنیم که برده دولت و کارفرمایان باشیم «و» ۱ درصد تامین تامین ۹۹ درصد گرسنه گرسنه «و» سبد هزینه زندگی بالای چهار میلیون، حداقل دستمزد ۸۱۲ هزار تومان «خواهان حداقل دستمزد بالای ۴ میلیون شدند.

تجمع بزرگ امروز که از ساعت ۹ صبح شروع شده بود، فریاد اعتراضات یکی شد و شعار معلم، کارگر، پرستار، اتحاد، اتحاد به صحنه پرشوری از اتحاد تبدیل شد. امروز قرار بود کمیته مزد مجلس در مورد دستمزد سال ۹۶ تصمیم گیری کند و زمانی که قاضی نماینده اردبیل از مجلس بیرون آمد او را هو کردند و اجازه صحبت به او ندادند.

بازنشسته استان لرستان نیز در مقابل استانداری در خرم آباد دست به تجمع مشابهی زدند.

بیش از ۵۰۰ نفر از کارکنان بخش خصوصی مخابرات نیز که از سراسر کشور از جمله تهران، گیلان و همدان در این تجمع حضور داشتند، خواهان انعقاد قرارداد مستقیم با مخابرات و کوتاه کردن دست پیمانکاران، امنیت شغلی، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و رفع تبعیض و در واقع افزایش حقوق خود شدند.

دهها کارگر نیز با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران و با بنرها و پلاکاردهای مختلف از جمله «کارگر معلم پرستار بازنشسته اتحاد اتحاد» «ما کار میکنیم که

در حالیکه خط فقر بالای چهار میلیون است حقوق معلمان و کارگران و بازنشستگان چند بار کمتر از آن است؟ شعاریه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه که امروز به شعار بخش های مختلف مردم تبدیل شده است و سایر شعارهای امروز به حد کافی گویا است. مردم طبقه مفتخور حاکم و دزدیهای آنها را عامل مشکلات خود میدانند.

معلمان بازنشسته از چند روز قبل با استفاده از میزبان اجتماعی تجمع امروز خود را سازمان دادند و امروز از نقاط مختلف کشور از جمله تهران، مشهد، آذربایجان شرقی، غربی، همدان، کرج، دماوند، گیلان، مازندران، کردستان و چند شهر دیگر در این تجمع شرکت کردند. اجرای دقیق هسان سازی بازنشستگان فرهنگی با بازنشستگان بقیه ارگانهای دولتی، افزایش سطح تسهیلات خدماتی و درمانی در قالب بیمه های کارآمد و پرداخت معوقات مزدی از جمله خواست های معلمان بازنشسته است که از مهرماه امسال تجمعات اعتراضی خود را گسترش داده و بارها در پنج ماه گذشته دست به تجمع در تهران و شهرهای مختلف کشور زده اند.

همزمان با تجمع بازنشستگان در تهران، صدها نفر از معلمان

امروز سوم اسفند بالغ بر ۳۰۰۰ هزار نفر از معلمان بازنشسته، کارکنان مخابرات و کارگران و پرستاران در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع زدند و با شعاریه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه، اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی، حقوق ما ۱ میلیون خط فقر ۴ میلیون، منزلت معیشت حق مسلم ماست، درمان رایگان حق مسلم ماست، ما را بهم پاس ننید حقمون پس بدید، وزیر کار فرمایمی خجالت خجالت، یه خواست فوری ما افزایش دستمزدها، وعده های پوشالی دیگر اثر ندارد، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن و شعارهای مختلف دیگر، اعتراض خود را به شرایطی که جمهوری اسلامی و مفتخوران حاکم به آنها تحمیل کرده اند بیان کردند. نقش فعال و برجسته زنان در تجمع امروز یک جلوه بارز مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم است.

محور اعتراض معلمان بازنشسته، کارگران و پرستارانی که در این تجمع شرکت داشتند دستمزدهای چندبار زیر خط فقر است. تظاهرات کنندگان میگویند چرا در حالیکه سبد هزینه یک خانواده بالای ۴ میلیون تومان است، حداقل دستمزد ۸۱۲ هزار تومان است؟ چرا



کارگران آلومینیوم مهدی

به حمایت از همکاران اخراجی خود برخاستند

اخراج کلیه همکاران خود را بگیرند و درسی فراموش نشدنی به کارفرما و ارگانهای دولتی همراه کارفرما بدهند. این تنها راهی است که میتواند امنیت شغلی کل کارگران را تضمین کند. امروز بیش از هر زمان جلب همبستگی سایر مردم معترض و از جمله خانواده های کارگری حیاتی و در عین حال عملی است. تجربه گرانبهای کارگران آلومینیوم در اردیبهشت سال قبل که خانواده های کارگری و مردم شهر را به تجمع فراخوان دادند تجربه کارسازی است که باز هم باید به کار گرفت و مردم را به حمایت فعالانه از خواست بحق کارگران علیه مفتخوران حاکم به میدان آورد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اسفند ۱۳۹۵، ۲۲ فوریه ۲۰۱۷

فردا نوبت خود آنها است.

کارگران مهدی تجارب گرانبهایی در مبارزات خود دارند. از جمله سال گذشته در فراخوانی به خانواده های خود و مردم شهر برای شرکت در تجمع اعتراضی آنها روز ۱۵ اردیبهشت ۳۰۰۰ نفر از مردم و اعضای خانواده های کارگران به تجمع کارگران کارخانه در مقابل استانداری پیوستند و تجربه جدیدی را به کارگران در سراسر کشور ارائه دادند. جلال میان کارگران و کارفرمای آلومینیوم سازی حول مساله اخراج سابقه ای طولانی دارد و در طول یکسال گذشته کارگران بارها و بارها دست به اعتصاب و تجمع زده اند و هر بار عقب نشینی هایی به کارفرما تحمیل کرده اند. اینبار نیز با اتحاد و یکپارچگی ۲۴۰۰ کارگر کارخانه و با همراه کردن خانواده ها و مردم شهر میتوانند جلو

بیش از ۳۰۰ کارگر کارخانه آلومینیوم مهدی در بندرعباس در اعتراض به اخراج ۴۰ نفر از همکاران خود دست به اعتصاب زدند و در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. کارگران خواهان بازگشت به کار همکاران خود و نیز پرداخت حق افزایش تولید هستند که مدتی است توسط کارفرما بالا کشیده شده است.

اقدام کارگران آلومینیوم سازی الگویی است که در کلیه مراکز کارگری باید به کار گرفته شود. کارفرماها به تدریج اخراج میکنند تا با اعتراض عمومی کارگران مواجه نشوند. این تاکتیک شناخته شده ای است. این تاکتیک را باید به شکست کشانید. در مقابل هر تک اخراجی کل کارگران باید دست از کار بکشند و اعتراض کنند تا همکار خود را به کار بازگردانند. وگرنه

اعتصابات و اعتراضات کارگری در نقاط مختلف کشور ادامه دارد

کارکنان اتوبوسرانی زابل دست به اعتصاب و تجمع زدند

روز ۱ اسفند، کارکنان اتوبوسرانی زابل در اعتراض عدم پرداخت ۶ ماه حقوق خود دست به تجمع اعتراضی در مقابل سازمان اتوبوسرانی زابل زدند.

کارگران فولاد اهواز

همچنان به اعتصاب ادامه می‌دهند

اعتصاب کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز همچنان ادامه دارد. روز ۱ اسفند برای هشتمین روز متوالی، صدها کارگر گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به اعتصاب خود ادامه دادند و خواهان امنیت شغلی، عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه و دیگر مطالبات خود شدند. کارگران همزمان با اعتصاب در مقابل کارخانه تجمع کردند و مانع تردد خودروهایی سنگین به کارخانه شدند. کارگران میگویند مدیر کارخانه بارها گفته است که در چند روز آینده معوقات کارگران پرداخت می‌شود ولی با گذشت چند ماه هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است.

اعتصاب کارگران صدرا در بوشهر

روز ۱ اسفند، بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران شرکت های پیمانکاری صدرا بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. کارگران خواهان پرداخت فوری ۴ ماه حقوق خود میباشند.

کارگران کارخانه کاشی کویر یزد خیابان را بستند!

صبح روز ۱ اسفند کارگران کارخانه کاشی کویر یزد در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوق در خیابان مقابل کارخانه تجمع کرده و خیابان را بستند. بخشی از حقوق کارگران از سال ۹۳، ۹۴ و بخشی از سال ۹۵ و مزایای بیمه و سنوات کارگران هم واریز نشده است. در این کارخانه ۴۰۰ نفر به کار مشغولند.

تجمع اعضای تعاونی مسکن کارگران شش واحد خدمه‌سانی مقابل وزارت راه

روز ۲ اسفند صدها نفر از اعضای تعاونی مسکن شش گانه کارگران شش واحد صنعتی، معدنی و خدماتی از واحدهای پارس آری، صنایع معادن، شرکت باریت، نیروی هوایی، بیمارستان پارس و شرکت توسعه صادرات معادن به نمایندگی از طرف ۲۰۰۰ خانواده در مقابل ساختمان وزارت راه و شهرسازی تجمع کردند. ۲۰۰۰ خانواده شاغل در این شش واحد صنعتی و معدنی ۲۶ سال قبل با پرداخت مبلغ ۳۰۰ هزار تومان قطعه زمینی در منطقه سعادت آباد تهران خریداری کرده و اداره مسکن و شهر

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

کارگران، مبارزه علیه تعویق پرداخت دستمزدهاست. اعتراضاتی که ابعاد گسترده و هر روزه دارد و فضای سیاسی شهرها را تحت تاثیر قرار داده است. اعتراضاتی که هر روز بیشتر به خیابان کشیده شده و در آنها حضور خانواده‌ها چشمگیر تر شده است. این اعتراضات وقتی هم به خیابان کشیده میشوند، مضمون و موضوعشان دیگر از دستمزد پرداخت شده فراتر رفته و کارگران کل این بساط فقر و فلاکت و تبعیض و نابرابری را به چالش میکشند. کارگران خواستار جارو شدن کل این بساط توحش و بردگی هستند.

با پرداخت های نصفه نیمه و وعده‌های سرخمن مشکلات آنان حل نمی‌شود. وعده وعید را نمی‌پذیرند. این گفتمان گویا فضای اعتراض صدها هزار کارگر در نقاط مختلف کشور است که دستمزدهایشان توسط کارفرمایان بالا کشیده شده است.

کارفرمایان حقوق ناچیز کارگران را بالا میکشند و دولت و ارگان های مختلفش با پاسکاری آنان به پیمانکاری، خود را رسماً در مقابل این وضعیت بی وظیفه میدانند. هم اکنون يك عرصه دائمی اعتراض

سازی به دلایل مختلفی اجازه ساخت وساز به اعضای این تعاونی را نمی‌دهد. ارزش زمین ها در این ۲۶ سال زیاد شده و این بهانه ای برای وزارت راه و شهرسازی شده که ادعا کند این زمینها از نقشه جامع شهر تهران خارج شده و اجازه ساخت داده نمی‌شود.

کارگران کشتی سازی بحرگستر هرمز تجمع کردند

روز ۲ اسفند حدود ۳۰۰ نفر از کارگران شرکت کشتی سازی بحرگستر هرمز که از شرکت های تابعه مجتمع کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران (ایزویکو) است و خواهان پرداخت فوری دو ماه حقوق معوقه و بخشی از طلب خود مربوط به سالهای قبل میباشند. بیمه کارگران نیز مطابق حقوق آنها پرداخت نشده است.

رانندگان مجتمع هفتتپه دست به تجمع زدند

روز ۲ اسفند حدود ۵۰ نفر از رانندگان ماشین های استیجاری شرکت کشت و صنعت نیشکر هفتتپه در اعتراض به ۷ ماه مطالبات پرداخت نشده دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند.

رانندگان سرویس های کارگران معدن طرزه اعتصاب کردند

رانندگان سرویس های ایاب و ذهاب کارگران معدن طرزه در اعتراض به عدم پرداخت حداقل ۵ ماه حقوق های خود دست به اعتصاب زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ اسفند ۱۳۹۵، ۲۰ فوریه ۲۰۱۷

مرگ یک زندانی در زندان اردبیل در زیر شکنجه

پیوستن خانواده های سایر زندانیان علیه مسئولین زندان اردبیل قویتر صورت گیرد. در صورت عدم اعتراض همبسته و قویتر به چنین توحشی، جان سایر زندانیان نیز در خطر است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ضمن تسلیت و همدردی با خانواده عباس علیپور از خانواده های سایر زندانیان میخواهد که با اعتراض همبسته جواب دندان شکنی به این عمل وحشیانه مسئولین زندان اردبیل بدهند.

کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ بهمن ۱۳۹۵ برابر با
۱۸ فوریه ۲۰۱۷

بنا به اخبار درج شده در رسانه های داخلی، يك زندانی بنام عباس علیپور در اثر شکنجه مسئولان زندان اردبیل بقتل رسیده است. خانواده این زندانی از افسر نگهبان و وکیل بند به دادگستری اردبیل شکایت کرده اند.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی يك بار دیگر سببیت داعشی خودش را بنمایش گذاشت. يك زندانی در زندان اردبیل که با بیرحمی تمام و در سرمای شدید اردبیل به میله وسط حیاط زندان زنجیر شده بود جان خود را از دست داد.

این اقدام ضدانسانی توسط مسئولین زندان اردبیل تا به اینجا با شکایت خانواده اش جواب گرفته است. این اعتراض میتواند و باید با



قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری

قطعنامه در مورد:

موقعیت ویژه جنبش کارگری

جنبش کارگری در ایران در آستانه جهشی بزرگ قرار گرفته است. در فضای متحول اجتماعی و موج هم سرنوشتی و همبستگی با مبارزات کارگری، این جنبش اکنون ثقل سیاسی مهمی در جامعه پیدا کرده، و به آستانه ایجاد تشکلهای توده ای کارگری رسیده است. مهمترین مولفه های این تحول و پیشروی چنین است:

۱- مبارزات کارگری، اعتصابات طولانی مدت و پی در پی در مراکز صنعتی و تجمعات در مقابل مراکز دولتی به امری روزمره تبدیل شده و اتحاد و همبستگی و پیوند بخشهای مختلف کارگران را تقویت کرده است. اعتراضات سراسری و رو به گسترش معلمان و بازنشستگان، یک جنبه مهم این تحول را بازتاب میدهد.

۲- جنبش افزایش دستمزد اکنون یک جنبش گسترده و اجتماعی است. خواست افزایش چندین برابر دستمزدها و مقایسه خط فقر و سطح موجود دستمزدها در شعارها و بیانیه های معلمان، کارگران و پرستاران و بازنشستگان بیان میشود. این خواست و جلو آمدن خواستهایی چون طب رایگان و تحصیل رایگان توقع کارگران و کل جامعه را از داشتن یک زندگی انسانی بیان میکند.

۳- تلاش کارگران و معلمان برای آزادی اعتراض و اعتصاب و تشکل در شکل مشخص و تعرضی حذف پرونده های امنیتی و غیر امنیتی کردن اعتراضات کارگری خود را بیان میکنند و این امر ابعادی اجتماعی به خود گرفته است.

۴- تشکلهای کارگری و مستقل از دولت و فعالین سرشناس جنبش کارگری که نقش ویژه ای در سالهای گذشته ایفا کرده اند، صف گسترده ای از رهبران کارگری که در دل اعتصابات و اعتراضات مکرر و طولانی پا به میدان گذاشته اند و شبکه ها و جمع های زیادی که در

ابعاد محلی و سراسری شکل گرفته است، نیروی لازم برای شکل دادن به تشکلهای کارگری را فراهم کرده است.

۵- رانده شدن میلیونها جوان تحصیل کرده و دانشگاهی بصورت کارگر شاغل و بیکار به صف طبقه کارگر در سالهای اخیر بافت دیگری به طبقه کارگر داده و توان مبارزاتی و سازمانیابی کارگران را بطور محسوسی بالا برده است.

۶- حضور خانواده ها در تجمعات اعتراضی کارگری گسترش یافته و به یک سنت رایج تبدیل شده است. این امر به جنبش کارگری بعد اجتماعی تری داده و زمینه جلب همبستگی با مبارزات کارگری را تقویت کرده است.

۷- مجمع عمومی بعنوان ابزاری برای تصمیم گیری جمعی و اقدام متحدانه در جریان بسیاری از مبارزات شکل گرفته است. در بیانیه ها و فراخوان های کارگران نیز گفتمان و فراخوان مجمع عمومی رواج بیشتری یافته و مجمع عمومی کارایی و اهمیت خود را برای دخالتگری توده های کارگران بیش از پیش نشان داده است.

۸- در میان معلمان، بازنشستگان و پرستاران، کارگران پتروشیمی ها و برق و آتش نشانی و برخی مراکز دیگر اعتراضات شکلی سراسری بخود گرفته و بستر مناسبی برای متشکل شدن در سطح سراسری در این بخشها بوجود آورده است.

۹- روی آوری بخش های مختلف کارگران به مدیای اجتماعی و تشکیل گروههای مبارزاتی هزاران نفره در شبکه های اجتماعی نیز زمینه فراخوانهای سراسری و تشکل های سراسری کارگران را بیشتر فراهم کرده است.

۱۰- اکنون عملا کارگران و معلمان در کنار هم صف واحدی را تشکیل میدهند. طرح خواستههای مشترک و عمومی، از یکسو مبارزات بخش

قطعنامه در مورد:

تجربه کردستان عراق و راه حل مساله ملی کرد

۱- بی اعتبار شدن الگوی حکومتی ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق موقعیت جریانات ناسیونالیست کرد در ایران و دیگر کشورها را تضعیف کرده است. نمونه اقلیم کردستان که در مقطعی به کعبه آمال ناسیونالیستها و بعنوان مدینه فاضله ناسیونالیسم کرد معرفی میشد، اکنون به نقطه ضعف آن تبدیل شده است. موج نارضایتی مردم کردستان عراق از این حکومت ناسیونالیستی و به جریان افتادن اعتراضات توده ای حول مطالبات اقتصادی و رفاهی و آزادی های اجتماعی فضای تازه ای به کردستان داده است. مردم کردستان عراق در حرکتی اعتراضیشان نفرت و خشم عمیق خود را از دولت اقلیمی علنا بیان میکنند و خواستار برکناری احزاب حاکم هستند.

۲- قدرتگیری احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق از اوایل دهه نود میلادی تحرك تازه ای در میان نیروها و احزاب ناسیونالیستی کرد در ایران ایجاد کرد. برخی از احزاب ناسیونالیست کرد با الهام از تجربه عراق به دولت آمریکا رسیدن بقدرت در چهارچوب سیاستهای منطقه ای آمریکا امید بستند. حتی بخشی از نیروهای چپ سنتی و ناسیونالیستی در کردستان حامیان سراسریشان پرچم فدرالیسم را به عنوان راه حل ستم ملی و مسئله ملی کرد بلند کردند. اکنون تجربه عملا شکست خورده کردستان عراق و همچنین همبستگی مبارزاتی مردم کردستان با بقیه مردم ایران این طرحها و "راه حل" های ناسیونالیستی را به عقب رانده و در جامعه حاشیه ای کرده است.

۳- تجربه کردستان عراق یک بار دیگر نشان میدهد که مردم تنها

با رفع ستم ملی خوشبخت نخواهند شد. برخلاف ادعای جریانات ناسیونالیستی کرد، رفع ستم ملی فقط یکی از خواسته های بر حق مردم کردستان در هر چهار کشور است. مردم ساکن کردستان همانند بقیه ساکنین کشور در همه بخشهای دیگر، دهها مطالبه و خواست حق طلبانه دارند که با حل مساله ملی پاسخ نمیگیرند. احزاب ناسیونالیست کرد و جنبشهای ملی نه تنها این خواسته ها را نمایندگی نمیکند، بلکه یک مانع اساسی بر سر راه اتحاد مردم و تحقق مطالبات آزادیخواهانه محسوب میشوند.

۴- اساس و محور مبارزه مردم در کردستان ایران، مقابله با مصائبی است که جمهوری اسلامی به تمام مردم ایران تحمیل کرده است. اعتراضات و مبارزات مردم در کردستان ایران بطور واقعی و عملی بخشی از مبارزه سراسری مردم علیه جمهوری اسلامی است و از این نقطه نظر ستم ملی و نیروهای ناسیونالیستی مدعی حل این مساله در مقایسه با مناطق دیگر کردستان بویژه کردستان عراق ثقل و جایگاه فرعی تر و حاشیه ای تری دارد. این شرایط الگوهای ناسیونالیستی را در کردستان ایران بیش از مناطق دیگر بی اعتبار میکند.

۵- احزاب و نیروهای ناسیونالیستی، اعم از ناسیونالیسم کرد و فارس، عامل تفرقه و تشتت و اشاعه دهنده تعصبات قومی و ملی در میان مردم هستند. یک پیش شرط رهائی مردم کردستان از ستم ملی و فقر و محرومیت و همه مصائبی که جمهوری اسلامی به مردم سراسر ایران تحمیل کرده است، نقد و افشا و منزوی کردن جریانات و احزاب

ناسیونالیستی است. با اتکا به مولفه های فوق ما توجه فعالین و رهبران جنبشهای اجتماعی آزادیخواهانه و چپ و کمونیست جامعه را به نکات زیر جلب میکنیم.

۱- تا زمانی که ستم ملی و مساله ملی حل نشود راه رهائی مردم کردستان، در هر چهار کشور، از مصائب و مشکلاتی که ناشی از سلطه سرمایه اری در این کشورهاست هوار نخواهد شد.

راه حل ما برای رفع ستم ملی اینست که حقوق همه افراد جامعه به عنوان شهروندان متساوی الحقوق برسمیت شناخته بشود.

۲- حل مسئله ملی کرد تنها با رجوع به آرا مردم ساکن کردستان و برگذاری رفاندوم ممکن خواهد شد. مردم ساکن مناطق کردنشین در کشورهای ایران و عراق و سوریه و ترکیه حق دارند در یک رفاندوم آزاد درباره ماندن یا جدا شدن از کشور مربوطه تصمیم بگیرند.

۳- ما از مبارزات آزادیخواهانه مردم در کردستان عراق پشتیبانی میکنیم و در شرایط حاضر با توجه به تاریخ و شرایط ویژه عراق راه حل مساله کرد در عراق را استقلال کردستان از عراق میدانیم.

۴- مبارزه مردم در کردستان ایران جزئی از مبارزه سراسری علیه جمهوری اسلامی است و رهائی و آزادی مردم کردستان و حتی رفع ستم ملی و برخورداری از حقوق شهروندی برابر قبل از هر چیز در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۵- ما نقد و حاشیه ای کردن فرهنگ و سنت و سیاستهای جنبش ناسیونالیستی را یک امر و وظیفه همیشگی خود می

قطعه‌نامه در مورد:

جنبش‌های اجتماعی و چشم انداز انقلاب آتی در ایران

قرار در مورد:

جنبش تشکیلی کارگری

انقلاب تماماً بوجود اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی در عرصه های مختلف، درجه تعیین و تشکل آنها، و گرایش سیاسی حاکم بر آنها وابسته است. جنبشها و اعتراضات گسترده جاری و چهره ها و نهادها و شبکه هائی که در دل آن شکل میگیرند و فعال میشوند، نشان دهنده تعمیق و تعیین هر چه بیشتر صفتبندی طبقاتی، شکل گیری ابزار و زمینه ها و نقاط اتکالی انقلاب آتی، و امکان سازی و کسب آمادگی اجتماعی برای زیرکشیدن انقلابی حکومت است.

با توجه به نکات فوق کنگره اعلام میکند:

پیروزی انقلاب در گرو تامین هژمونی و رهبری يك حزب انقلابی است که در بطن مبارزات جاری نماینده آرمان و خواستهای انسانی، مدرن، برابری طلبانه و آزادیخواهانه در جامعه باشد. این نقش تعیین کننده ای است که حزب کمونیست کارگری میتواند و باید ایفا کند.

هرچه تقابل طبقاتی که در اعماق و در بطن جنبشها و فعالیت‌های اعتراضی جاری جریان دارد بیشتر تبیین و تعیین بیابد، شفاف و آشکارتر شود، و در قالب خواستها و اهداف روشن در نبردهای روزمره بیان و اعلام گردد، زمینه اجتماعی

۱- تقابل میان توده مردم و حکومت گسترده و تعمیق شده و ابعاد تازه ای پیدا کرده است. شکل گیری جنبش‌های اجتماعی و حرکات اعتراضی گسترده مردم در عرصه های متعدد و با شیوه هائی بدیع و ابتکاری در مقابله با قوانین و سیاستهای ضد انسانی حکومت، مضمون صریحا ضد کاپیتالیستی اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و فراخوانهای کارگری و پیشرویهای جنبش کارگری در مقابله با حکومت و قوانین و سیاستهای ضد کارگری و سرکوبگرانه حاکم، يك مولفه مهم وضعیت سیاسی ایران در شرایط حاضر است.

۲- مینا و نیروی محرکه جنبشها و اعتراضات گسترده جاری گرایش عمیق مردم به خلاصی از شر جمهوری اسلامی و بزیر کشیدن حکومت است. بجالش کشیدن حکومت و سرنگونی طلبی که خیزش میلیونی سال ۸۸ و شورشهای شهری در دهه قبل از آن نمونه‌های برجسته بروز و سربلند کردن آن بود اکنون در متن و بطن جنبشها و حرکت‌های اعتراضی و در قالب فعالیت‌های مطالباتی، صنفی، اجتماعی و مدنی متجلی میشود.

۳- انقلاب ادامه خطی جنبش‌های اجتماعی نیست ولی سیر و سرنوشت

برای نمایندگی شدن این مبارزات بوسیله حزب بیشتر فراهم خواهد شد، و جنگ نهائی برای سرنگونی جمهوری اسلامی عمیق تر و رادیکال تر و پیروزمندانه تر خواهد بود.

تقویت و به پیش راندن این روند اساس و رکن استراتژی حزب برای رهبری انقلاب آتی مردم در ایران و کسب قدرت سیاسی است. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب و خلع پد سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار، میتواند و باید نقطه اوج و حاصل نهائی این جدال طبقاتی باشد.

حزب کمونیست کارگری گسترش و رادیکالیزه شدن اعتراضات اجتماعی، پیشرویهای جنبش کارگری، و روند تعمیق قطنبندی طبقاتی را، که خود در شکل گیری آن نقش فعالی ایفا کرده است، يك گام مهم به پیش در تعمیق و تقویت جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران میداند و با تمام توان برای گسترش و سازماندهی و رادیکالیزه کردن هر چه بیشتر این جنبش تلاش میکند.

ارائه دهنده: حمید تقوایی

تأیید کنندگان: بهروز بهاری، رحیم یزدانپرست، جلیل جلیلی، مسعود کریمی

قطعه‌نامه درباره تجربه

کردستان عراق و ...

از صفحه ۹ دانیم.

۶. ما همه نیروها و فعالین چپ و سکولار و آزادیخواه را به مبارزه پیگیر و فعال حول مطالبات فوری و حق طلبانه مردم و رهایی جامعه از ستم ملی و برای حل مسئله ملی کرد فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری با تمام توان در پیشبرد سیاستهای فوق خواهد کوشید.

ارائه دهندگان: محمد آسنگران، حمید تقوایی
تأیید کنندگان: بهروز بهاری، نسرين رمضانعلی، رضا فتحي

قطعه‌نامه درباره موفقیت ویژه جنبش کارگری

از صفحه ۹

های مختلف کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بخش عظیمی از جامعه را به هم پیوند داده است و از سوی دیگر توجه و حمایت بخشهای مختلف جامعه و فعالین اعتراضات اجتماعی را به جنبش کارگری جلب کرده است.

۱۱- تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی لاعلاج حکومت، به جان هم افتادن مقامات حکومتی در سطوح مختلف، توان و اعتماد بنفس حکومت و ارگانهای سرکوب آنرا در مواجهه با مردم بشدت کاهش داده و توازن قوا را به نفع کارگران و عموم مردم تغییر داده است.

این پیشرویها و تحولات شرایط را

با توجه به اینکه

۱- تشکل نه تنها ابزار و سلاح مبارزه بلکه ظرف تحقق و تحکیم هویت جمعی و ابراز هویت طبقاتی کارگر است و ازینرو بعنوان يك امر و هدف در خود جایگاه مهم و حیاتی در جنبش کارگری دارد.

۲- در شرایط حاضر از یکسو تشکیل مجمع عمومی و فراخوان به آن به يك سنت در اعتراضات کارگری تبدیل شده است و از سوی دیگر در بخش هائی از طبقه کارگر اولین جوانه ها و نمونه های تشکلهای توده ای و سراسری شکل گرفته است. این نشاندهنده آمادگی شرایط برای ایجاد و تثبیت تشکلهای توده ای کارگری است.

کنگره بر ضرورت و امکانپذیری شکل دادن و دامن زدن به جنبش تشکیلی کارگری در شرایط حاضر تاکید میکند و تلاش میکند تا ایجاد تشکل بعنوان يك اولویت و هدف و امر در خود در دستور کار فعالین جنبش کارگری قرار بگیرد. فعالین این جنبش در هر مبارزه و اعتراض کارگری امر متحد و متشکل شدن و متشکل ماندن کارگران را

دنبال میکنند و این امر را يك شاخص مهم پیشروی کارگران در هر اعتراض و مبارزه ای میدانند. جنبش تشکل یابی میتواند و باید همانند جنبش افزایش دستمزد به يك جنبش علنی و گسترده با نهادها و چهره ها و بیانیه های ویژه خود تبدیل بشود.

حزب کمونیست کارگری با تلاش برای تقویت جنبش مجمع عمومی و تشکیل مجامع عمومی، و با حمایت از هر تشکل کارگری مستقل از دولت و از هر تلاش فعالین کارگری برای ایجاد تشکلهای توده ای، فعالانه برای شکل دادن به يك جنبش گسترده برای تشکیلی کارگران می کوشد و همه فعالین کارگری را به این جنبش فرامیخواند.

ارائه دهنده: حمید تقوایی

تأیید کنندگان: سیما بهاری، طه حسینی، عبدال گلپریان، فراز آزادی

قرار در باره:

اهمیت جنبش دادخواهی بازماندگان

قتل عامهای سالهای ۶۰ تا ۶۷

عرصه های مهم نبرد با جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری بر جایگاه مهم جنبش دادخواهی و خواست بر حق بازماندگان این فاجعه انسانی تاکید داشته و بر حمایت از این جنبش و پیشبرد آن تاکید میکند.

پیشنهاد دهند: شهلا خباززاده
تأیید کنندگان: سرور کاردار، بهروز مهرآبادی، شیوا محبوبی

۳۸ سال حکومت جمهوری اسلامی همراه با کشتار و ترور آزادیخواهان و کمونیستها بوده است. کشتارهای سالهای ۶۰ تا ۶۷ می توان يك نسل کشی و یکی از دهشتناک ترین جنایات در تاریخ بشریت نامید. در سالهای اخیر بازماندگان قتل عام شدگان توسط جمهوری اسلامی به مناسبت های مختلف به دادخواهی برخاسته و خواهان روشن شدن ابعاد فاجعه و محاکمه عاملین و آمرین قتل عامها شده اند. این یکی از

قرار در باره:

نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله با آن

۱- جامعه ایران - از جمله آذربایجان - صحنه اعتراضات گسترده و دائمی توسط کارگران، زنان، جوانان و توده های وسیع مردم علیه فقر، تبعیضات اجتماعی، نابرابری و سرکوب و قوانین مذهبی است. پیشروی و پیروزی این مبارزات در گروه اتحاد و همیاری و همبستگی همه این مردم در برابر حکومت اسلامی است.

۲- ناسیونالیسم در همه اشکال آن - از ناسیونالیسم عظمت طلب آریایی گرفته تا ناسیونالیستهای قوم پرست - یک جریان راست ارتجاعی و یک نیروی مخرب سیاسی است که مشغول نفرت پراکنی میان بخشهای مختلف مردم و تفرقه انداختن در صفوف اعتراضات مردم است. محافل حاکم در خود جمهوری اسلامی نیز آگاهانه در تحریکات ناسیونالیستی و قوم پرستانه نقش ایفا میکنند.

۳- ناسیونالیسم ترک یکی از مخربترین و فعال ترین شاخه های ناسیونالیسم است که تلاش میکند ستم و تبعیض و تحقیر علیه مردم آذربایجان را دستمایه تبلیغات ارتجاعی خود قرار دهد. آشکارا افکار فاشیستی برتری نژادی را تبلیغ میکند و دستش در دست مرتجعین درون حکومت اسلامی و برخی دیگر حکومتهای ارتجاعی منطقه برای تفرقه انداختن در اعتراضات مردم است. نفرت پراکنی میان کارگران و مردم محروم آذربایجان علیه سایر هم طبقه ای ها و هم سرنوشتیانشان در سایر نقاط ایران اساس سیاست و عملکرد ناسیونالیسم ترک است.

۴- جریانات ناسیونالیستی نیروهای ارتجاعی هستند که با نفرت و تعصب پراکنی ملی و قومی یکدیگر را تغذیه میکنند، به یکدیگر زمینه میدهند و

قرار در مورد:

مبارزه علیه تخریب محیط زیست

محیط زیست در ایران در وضعیت بسیار خطرناکی قرار گرفته است. هوای شهرها منجمله به دلیل تولید و فروش بنزین های غیر استاندارد و آلاینده های ناشی از فعالیت مراکز صنعتی و استفاده از سوخت های فسیلی و یا هجوم ریزگردها به مرز کشنده رسیده است. رودخانه ها و دریاچه ها، دشته ها و تالاب ها خشک و در معرض نابودی قرار دارند. گسترش بیابان زایی، نابودی جنگل و به تاراج بردن منابع آبی کشور جنبه های دیگری از فاجعه زیست محیطی در ایران هستند. حتی بیابانها نیز از این تخریب در امان نبوده اند و به زاغه مهمات و یا محلی برای انجام آزمایشات شیمیایی و هسته ای تبدیل شده اند.

آب، هوا و خاک یعنی سه عنصر اصلی در حیات انسان و جانوران و گیاهان در ایران اسلامی مورد تعرض منافع سودجویانه دولت و

آفزاده ها بوده است. واژه هایی نظیر زمین خواری، کوه خواری، رودخانه خواری، جنگل خواری، بیابان خواری مصداق همین واقعیت است. دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در راستای سند مصوب دفتر سیاسی حزب به تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۳ "در باره تخریب محیط زیست در ایران" بر این نکات تاکید دارد:

- حمایت فعال از جنبش علیه تخریب محیط زیست. جنبش علیه تخریب محیط زیست در ایران اکنون در اشکال مختلفی نظیر اعتراض به آلودگی هوا در شهرهای بزرگ، اعتراض به پخش پارازیت، اعتراض به افزایش گرد و غبار و مسئله ریز گرد ها در هوا، اعتراض علیه حیوان آزاری، اعتراض به شکار حیات وحش، اعتراض به تخریب باغ های گیاه شناسی جریان دارد. حزب تقویت و گسترش این جنبش با افق

چپ و رادیکال را امر و وظیفه مهم خود می داند و برای آن مجدداً تلاش می کند.

- دامن زدن به گفتمان دفاع از محیط زیست در جامعه از طریق کانال جدید و گروهها و شبکه های مدیری اجتماعی، و با برگزاری میزگرد، سمینار، گفتگو، سخنرانی، در داخل و خارج کشور.

- تشویق هر چه بیشتر جوانان و گروههای مختلف مردم برای مشارکت در حفظ محیط زیست از طریق تقویت نهادهای غیر دولتی و یا ایجاد آن. جی. او ها تازه در زمینه محیط زیست و یا دعوت به مبارزه و اعتراض مستقیم علیه جمهوری اسلامی بعنوان عامل اصلی تخریب محیط زیست در ایران.

ارائه دهند: آرش دشتی
حسن صالحی، پیام آذر

قرار در مورد:

اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی

جامعه تاکید دارد و با تمام توان برای پیشبرد کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات فعالیت میکند. داود آرام، شهلا دانشفر

زندانیان سیاسی را گام مهمی به جلو برده است. حزب بر جایگاه مهم این کارزار در این عرصه از مبارزه و علیه سرکوبگری های حکومت اسلامی و دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی های پایه ای در

بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی و کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی، به کارزاری اجتماعی تبدیل شده است. این کارزار مبارزه برای آزادی



تجمع اعتراضی مردم خوزستان هنگام ورود روحانی به اهواز

پیامهایی به دهمین کنگره حزب

آزیتا دربندی و آرش دشتی از ایران

با درودهای گرم و بهاری

دهمین کنگره حزب را به شما و همه کسانی که دل شان برای تغییر و یک دنیای زیستنی تر و انسانی تر می تپد شادباش می گویم. خوشحالییم که در کنار شمایم. از زمانی که شما را شناختیم و در کنار هم بودیم تا این لحظه که این پیام را می نویسیم مسیر طولانی را پیمودیم ما با هم قد کشیدیم و به جایی رسیده ایم که می توانیم سرمان را بالا بگیریم و به گذشته و حال مان ببالیم به این که به زندان، اعدام و سنگسار نه گفتیم.

به این که جنبش ها را دیدیم و خودمان و مبارزات انقلابی و سرگونی طلبانه را در درون جنبش های اجتماعی تعریف کردیم.

به این که کمونیسم را از کتاب ها و نوشته های مارکس درآوردیم و در هستی اجتماعی معنا کردیم و بر این باور استوار شدیم که جهان امروز به یک راه حل سوسیالیستی نیاز دارد تا از گنداب سرمایه و از بردگی نوین نجات پیدا کند.

به این که انسان های هم سرنوشت تنها در یک همبستگی طبقاتی می توانند از شر فقر و فلاکت و بیکاری،

اعتیاد و تن فروشی، کارتن خوابی و دیکتاتوری و خفقان و سانسور رها شوند.

به این که برای رهایی باید تشکل های واقعی و مستقل و مردمی را به وجود آورد و همگان را به پیوستن به آنها فرا خواند.

به این که باید حزب را، برنامه یک دنیای بهتر را، انسانیت را به جامعه معرفی کرد.

به این که این کار میسر نمی شود مگر با شرکت و حضور موثر در مبارزات کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان، نویسندگان و هنرمندان ضد سانسور و همه کسانی که خواهان تغییر انقلابی و سوسیالیستی اند.

ما این پیام را در حالی می نویسیم که جمهوری اسلامی می کوشد با جهل و خرافه و سرکوب، جامعه را مرعوب کند و به قهقرا ببرد و جامعه با همه فشارها، مثل دریایی خروشان و موج آفرین می جوشد.

زنان تمام قد در برابر سیاست های ضد زن و فرهنگ منحط قرون وسطایی حاکمیت جهل و جمود و جنایت ایستاده اند.

کارگران و معلمان با اتحاد عمل و ابتکار مبارزاتی شان، کلیت نظام سرمایه داری و قوانین جزایی و مدنی و

نظام سود و استثمار را نشانه رفته اند. جوانان و دانشجویان به رغم همه محلود سازی ها، تبعیض ها و سیاست های دانش ستیزانه زنده اند. ما این پیام را در حالی می نویسیم که بشریت امروز و حتی متوهم ترین اقشار و افراد، به کنییدگی سرمایه داری پی برده اند و انتخابات اخیر در آمریکا نشان داد که نظام سرمایه داری در سراسری وضعیت خود در دو قرن اخیر قرار گرفته است.

این وضعیت به همان میزان و حتی بیشتر، از غلط بودن تحلیل های احزاب بورژوازی و شبیه سوسیالیستی، درست بودن برنامه و تحلیل جنبش بزرگ کمونیسم کارگری و حزب ما را به دنیا نشان داد.

رفقا! ما را در کنار خود ببینید. اگر در کنگره حضور فیزیکی نداریم، خود را همگام و همراه شما می بینیم و برای برگزاری یک کنگره دخالتر و تاثیرگذار در اوضاع ایران و جهان بهترین آرزوها را داریم. امید داریم که کنگره بتواند در فضایی رفیقانه بهترین قرارها را برای سازماندهی مبارزات مردم ایران به تصویب برساند.

شاد و سربلند باشید.
آزیتا دربندی و آرش دشتی از ایران

مبارزاتی سراسری کارگری و اجتماعی است.

رفقا در مقطع حساسی این کنگره تشکیل میشود، چشمها به طرف ماست. امیدوارم کنگره بتواند به مسائل خطیر امروز ایران و جهان جواب روشنی بدهد و راهکارهایی را پیش رو بگذارد که ما را صدها قدم به جلو پرتاب کند. آرزو داشتیم که بتوانم در کنار رفقایم در کنگره حزب شرکت کنم ولی هرجا باشم در کنار شما رفقای عزیز هستم.

سطح جامعه نمایندگی میکنید و جوابگوی واقعیت های جنبش من است، به عنوان یک کارگر در کنار حزب کمونیست کارگری بوده ام و هستم و از زمانی که انسانیت را اساس سوسیالیسم شناختم، گردنم را در کوچه بالاتر گرفتم و توفنده تر شدم.

از نظر من مهمترین مساله که کنگره باید به آن بپردازد، باتوجه به اعتلای جنبش کارگری ۱- حمایت مالی و راهبردی از رهبران علنی جنبش ۲- اعتلای حزب کمونیست کارگری بعنوان ستاد پشتیبانی و

بازداشت سه کارگر مخابرات راه دور شیراز و بیخبری از آنها

روز بیستم بهمن سه تن از کارگران معترض مخابرات راه دور به اسمای کریم آقایی، جعفر پژوهش پور و حسین اسماعیلی، در جریان تجمع اعتراضی که در مقابل اداره کار استان فارس داشتند توسط ماموران لباس شخصی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. این کارگران از کارکنان اعتصابی و معترض شرکت «صنایع مخابراتی راه دور ایران» هستند، که در پیش کارگران و کارکنان این شرکت فعال بوده اند. در جریان این بازداشت منزل این کارگران توسط ماموران امنیتی رژیم بازرسی و مورد تفتیش قرار گرفته و برخی وسایل آنها ضبط شده و خانواده هایشان را مورد اهانت قرار گرفتند. این موضوع را باید وسیعاً رسانه ای کرد. این اتفاق نمونه دیگری از سرکوبگری های حکومت اسلامی در قبال مبارزات گسترده کارگری است. مخابرات راه دور از جمله مراکز پر تحرك کارگری در طول سالهای اخیر بوده و مرکز توجه مردم شهر شیراز است. وسیعاً از این کارگران حمایت کنیم. همراه با خانواده های آنان پیگیر وضعیت آنان شویم. انتظار حمایت قاطع کارگران مخابرات راه دور از سه همکار

بازداشت شده شان و حمایت مردم شیراز از این کارگران است. سه کارگر مخابرات راه دور به جرم مبارزاتشان در دفاع از حقوق کارگران بازداشت و زندانی شده اند. بسیاری از فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی با همین جرم و با اتهاماتی تحت عنوان «اخلال در نظم و امنیت ملی» بازداشت شده شان و حمایت مردم شیراز از این کارگران است. سه کارگر مخابرات راه دور به جرم مبارزاتشان در دفاع از حقوق کارگران بازداشت و زندانی شده اند. بسیاری از فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی با همین جرم و با اتهاماتی تحت عنوان «اخلال در نظم و امنیت ملی» بازداشت شده شان و حمایت مردم شیراز از این کارگران است. سه کارگر مخابرات راه دور به جرم مبارزاتشان در دفاع از حقوق کارگران بازداشت و زندانی شده اند. بسیاری از فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی با همین جرم و با اتهاماتی تحت عنوان «اخلال در نظم و امنیت ملی»

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱ اسفند ۹۵
Shahla.daneshfar2@gmail.com



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید